زنان: فقر مضاعف

دکتر افسانه کمالي*

اگر چه مطالعات در باب فقر در جامعة انساني، خصوصاً در ابعاد اقتصادي و اجتماعي، اندك نيست، اما موضوع شناخت فقرا و تفكيك و بررسي ابعاد فقر در آن ها چندان فراوان نيست . يكي از مهم ترين ويژگي هاي مغفول در ميان اين نوع مطالعات، جنسيت و شناخت تأثير آن در تعميق و شدت فقر است . اين مطالعه ضمن بررسي تعاريف و شاخص هاي متعارف، با استفاده از تفكيك خانوارهاي كشور به تفكيك جنسيت سرپرست خانوار و بررسي ويژگي هاي كلي و بعد و تركيب اعضاي خانوارهاي كشور، از متغيرهاي وضع تأهل، وضع اشتغال، وضع سواد، وضعيت مسكن و نيز هزينه و درآمد آن ها مسئله فقر و ابعاد آن را واكاوي كرده است.

اگر چه فقدان اطلاعات دقيق و يا محدوديت آن‌ها امكان بررسي كامل مسئله را پديد

* جامعه‌شناس و عضو هيأت علمي دانشگاه الزهرا <a_kamali@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

نمي‌آورد، با اين حال شواهد حاكي از «زنانه شدن فقر» و بالاتر رفتن سطح آن در ميان خانوارهايي است كه سرپرست آن ها زنان هستند. هر چند كه اين مفهوم براي به تصوير كشيدن فقر زنان بسنده نيست.

كليدواژه‌ها: ايران، زنان، فقر

مقدمه

بررسي مسئلة فقر از جهات و ابعاد گوناگوني ميسر است. اقتصاددانان به عوامل مؤثّر بر فقر و حدود و دامنة آن و جام عه‌شناسان به تأثيرات فقر در بروز آسيب هاي ديگر اجتماعي ـ فرهنگي تأكيد داشته‌اند. با اين حال، شناسايي و تفكيك ميان فقرا و بررسي ابعاد فقر در ميان گروه هاي مختلف اقتصادي ـ اجتماعي كم تر مورد توجه واقع شده است. يكي از بارزترين ويژگي هاي مغفول در بررسي دامنة فقر، مسئلة جنسيت و تأثير آن در تعميق و شدت فقر است. پديدة «فقر زنانه» از جمله مباحث جديد و كم تر مورد عنايت در مسئلة فقر محسوب مي‌شود. اين مقاله درصدد است كه:

الف) به شاخص هاي مطرح در سنجش فقر و شناخت ويژگي‌هاي فقرا توجه كند؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ب) نشان دهد كه جنسيت مهم ترين ع امل در شناخت ويژگي‌هاي فقرا در كشور محسوب مي شود و فقري مضاعف را بر زنان تحميل مي‌كند؛

ج) به صورتي مقايسه اي با مردان، ابعاد فقر زنان را ارائه كند.

1) تعاريف و شاخص‌ها

از نظرگاه فلسفي، فقر و محروميت زماني حادث مي‌شود كه زمان احساس نياز مقدم بر زمان ارضاي نياز باشد. لذا، با عنايت به مجموعة باز و بي‌نهايت نيازهاي انسان، جامعة انساني هميشه فقير و محروم باقي خواهد ماند (عظيمي، 1374: 197). با اين حال، فارغ از مباحث فلسفي، فقر به محروميت يا فقدان ضروريات اولية زندگي نيز قابل ارجاع است. در بررسي‌هاي مرسوم از فقر و حدود و دامنة آن، معمولاً گرايشي به استفاده از مفهوم «خانوار» وجود دارد. همان‌طور كه نگارنده پيش‌تر نشان داده است (شادي‌طلب و كمالي : 1379) اين گرايش دو نوع ابهام مي‌آفريند:

الف) سبب مي شود كه گروه ها و افراد درون خانوار كم تر مورد توجه واقع شوند و نيز سهم آنان به يكسان و به صورت سرانه تلقي شود؛

ب) همين سنجش نيز معمولاً بر مبناي اطلاعات آماري موجود براي «سرپرست خانوار» مورد بررسي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

واقع شود كه خصوصاً در مورد زنان با كاستي و تعابيري دور از واقع همراه است.

منزلت فروتر زنان در خانواده و تفسير جهان اجتماعي بر مبنا ي خصايل مردانه از روشن شدن ويژگي‌ها و اقتضائات خاص زنان جلوگيري مي‌كند. به اين ترتيب شناخت مسائل زنان از دريچة خاص مردان، تصويري دور از واقعيات آنان را در بر دارد. براي مثال نمي‌توان ابعاد درد و رنج زني را دريافت كه بر اثر زنداني شدن، معلوليت و يا بي‌مسئوليتي خانواده خود را در فقر و تنگ دستي رها كرده است؛ زيرا در اين موارد بنا به اقتضائات فرهنگي، همچنان مردان سرپرست خانوار محسوب مي‌شوند. به رغم اين اختلاط مفهومي و روشن نبودن مرزهاي دقيق خانوارهاي فقير زنان، ضرورت استفاده از آمارهاي موجود، تن دادن به اين مفهوم را الزامي مي‌سازد.

در بررسي مسئلة فقر به ويژگي هاي متعددي براي شناخت فقرا اشاره شده است : وضعيت مسكن، اشتغال يا بي كاري سرپرست خانوار، فقدان عضو شاغل، وضعيت تأهل و بعد كوچك خانوار، بي‌سوادي و فقدان عضو باسواد، اشتغال در بخش هاي ساختمان، كشاورزي، اشتغال در مشاغل حقوق بگير و ... از جملة اين ويژگي هاست. با اين حال، در برخي از مطالعات نشان داده شده است كه خصوصاً در دهه هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اخير افزايش فقر در بين خانوارهاي زن سرپرست، يكي از عوامل افزايش نابرابري توزيع درآمد در ميان خانوارها محسوب مي شود (پروين, 1372؛ جعفري، ص ميمي: 1371). سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور نيز نشان داده است كه احتمال ابتلا به فقر در خانوارهاي زن سرپرست، در مناطق شهري 35 و در مناطق روستايي 65 درصد است (1379: 42).

لذا، با توجه به اين مسئله، تا آن جا كه اطلاعات محدود و اندك موجود امكان آن را فراهم مي‌آورد، ابعاد فقر بر حسب بعد و تركيب اعضاي خانوار، وضعيت تأهل، وضع اشتغال، وضع سواد، وضع مسكن و وضع درآمد و هزينة خانوار با عنايت به تفكيك جنسيتي پژوهش و بررسي خواهد شد.

2) بررسي ويژگي هاي خانوارهاي كشور به تفكيك جنسيت سرپرست خانوار

1ـ2) ويژگي‌هاي كلي خانوارهاي كشور

نتايج آخرين سرشماري در 1375 نشان داده است كه از مجموع 12/349/003 خانوار ايراني، 1/035/067 خانوار (8/40 درصد) تحت سرپرستي زنان بوده است. اگرچه از آن زمان تاكنون اطلاع دقيقي از تعداد خانوارهاي كشور وجود ندارد، اما نتايج

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

آمارگيري‌هاي نمونه اي مختلف، نشان داده است كه سهم نسبي خانوارهاي زن سرپرست از 8/41 به 8/73 رسيده كه نشانگر افزايشي 3/93 درصدي است. البته اين افزايش معطوف به افزايش سهم نسبي زنان شهري سرپرست خانوار بوده است (6/77 درصد)؛ حال آن كه در همين دوره سهم نسبي زنان روستايي سرپرست خانوار كاه شي معادل 11/79 درصد داشته است . نتايج حاصل در جدول 1 (مركز آمار ايران، 1376؛ 1376_1382) همچنين نشان مي دهد كه سهم نسبي خانوارهاي مرد سرپرست طي اين دوره با كاهش مواجه بوده كه عمدتاً معطوف به خانوارهاي روستايي است. اين مسئله در عين حال موجب كاهش سهم نسبي خانوارهاي زن سرپرست در مناطق روستايي از 9/29 درصد در 1375 به 8/85 درصد در 1382 شده است و در مقابل افزايش سهم نسبي زنان سرپرست خانوار در مناطق روستايي از 8/30 به 8/64 در همين مدت مشابه است . اين موضوع عوارض و آثار متعددي دارد كه در بخش هاي بعدي به آن پرداخته خواهد شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

جدول 1: توزيع نسبي سرپرستان خانوار بر حسب جنس و منطقه، طي سال‌هاي 1375ـ1382

سال	مرد			زن		
	کل	شهري	روستايي	کل	شهري	روستايي
1375	91/60	64/40	35/60	8/40	63/52	36/48
1376	92/62	60/24	39/76	7/38	58/46	41/54
1377	92/00	59/77	40/23	8/00	58/58	41/42
1378	91/83	58/09	41/91	8/17	56/73	43/27
1379	91/81	59/13	40/87	8/19	59/54	40/46
1380	91/36	59/22	40/78	8/64	58/54	41/46
1381	91/20	58/68	41/32	8/80	58/26	41/74
1382	91/27	68/59	31/41	8/73	67/82	32/18
ميزان افزايش82ـ75	ـ0/36	6/51	ـ11/77	3/93	6/77	ـ11/79

2ـ2) بعد و تركيب اعضاي خانوارهاي كشور

آمارهاي كشور نشان مي دهد كه ميانگين بعد خانوارهاي مرد سرپرست از 4/99 (در سال 1376) به 4/39 و در خانوارهاي زن سرپرست از 2/83 به 2/57 رسيده است. اگرچه اين فرآيند را مي‌توان ناشي از برنامه‌هاي جمعيتي دولت و تغيير نگرش‌هاي اجتماعي در تعداد فرزندان مطلوب قلمداد كرد، با اين حال توجه به سهم نسبي خانوارهاي تك نفره نشان مي‌دهد كه كاهش بعد خانوار و در عين حال تمايز شديد آن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

در ميان خانوارهاي مرد سرپرست و زن سرپرست را نمي‌توان ناشي از تغيير الگوهاي جمعيتي قلمداد كرد. در حالي كه سهم نسبي خانوارهاي مرد سرپرست در سال 1376 تنها 1/54 درصد كل اين نوع خانوارها بوده و در نهايت در سال 1382 به 2/33 رسيده، سهم مشابه براي خانوارهاي زن سرپرست از 35/18 به 38/81 ارتقا يافته است. باتوجه به ارقام جدول 2 (مركز آمار ايران، 1376ـ1382) اگرچه خانوارهاي تك نفره به طور كلي در دورة فوق افزايش يافته‌اند، اما اين افزايش براي زنان بيشتر بوده و نهايتاً در پايان دوره شكاف 33/64 درصدي سهم اين نوع خانوارها را به 36/48 درصد رسانده است. (57/56 درصد در 1375 و 85/34 درصد در سال 1381). همچنين چنان چه صرفاً خانوارهاي «خودسرپرست»، «سرپرست و فرزندان » و «سرپرست، فرزندان و ساير» كه از نوع خانوارهاي معمول محسوب نمي‌شوند مورد توجه واقع شود، در حالي كه سهم مورد نظر براي مردان از 2/77 درصد در سال 1375 به 1/78 درصد در سال 1381 رسيده، ارقام مشابه براي زنان 61/8 و 86/15 درصد بوده است. اين به آن معناست كه حداقل به صورتي اوليه سهم نسبي خانوارهاي آسيب‌پذير در ميان مردان بسيار اندك و در ميان زنان اكثريتي قاطع است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

جدول 2: ميانگين بعد خانوار و سهم نسبي خانوارهاي تك‌نفره برحسب جنس سرپرست خانوار در سال‌هاي 1376ـ1382

سال	مرد		زن	
	ميانگين	خانوار تك‌نفره	ميانگين	خانوار تك‌نفره
1376	4/99	1/54	2/83	35/18
1377	4/80	1/83	2/73	37/65
1378	4/70	1/92	2/67	39/04
1379	4/64	2/01	2/68	38/36
1380	4/58	2/01	2/72	37/04
1381	4/56	1/83	2/68	37/58
1382	4/39	2/33	2/57	38/81

كوچك بودن بعد خانوار و س هم نسبي خانوارهاي تك نفره به تعبير حسين عظيمي (1374: 223) و به اذعان سازمان مديريت و برنامه ريزي (1379: 41) يكي از ويژگي هاي اصلي خانوارهاي فقير است . بررسي نسبي بعد خانوار و ارتباط آن با فقر، حاكي از آن است كه خانوارهاي يك نفره و دونفرة روستايي به ترتيب با احتمال 90 و 60 درصد و خانوارهاي مشابه شهري 60 و 25 درصد در معرض فقر قرار دارند. بايد توجه داشت كه خانوارهاي يك نفره عمدتاً خانوارهايي هستند كه سرپرست مسن و يا بسيار جوان دارند كه گروه اول به دليل عدم برخورداري از مزاياي يك نظام جامع تأمين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اجتماعي و گروه د وم به دليل قرار گرفتن در ابتداي منحني درآمد ـ سن با احتمال بيشتري در معرض فقر قرار مي‌گيرند.

از اين لحاظ، تركيب اعضاي خانوارها نيز مي‌تواند مهم تلقي شود. نتايج بررسي تركيب اعضاي خانوار در جدول 3 (مركز آمار ايران، 1381) نشان مي‌دهد در حالي كه بخش عمدة خانوا رهاي مرد سرپرست از «سرپرست، همسر و فرزندان » تشكيل مي‌شود (73/94 درصد در سال 1375 و 75/83 درصد در سال 1381)، خانوارهاي تك نفرة «خود سرپرست» و خانواده‌هاي متشكل از «سرپرست و فرزندان » در ميان زنان سهم اصلي و بيشتر را دارند.

جدول 3: توزيع نسبي خانوارهاي كشور برحسب جنس سرپرست و تركيب اعضاي خانوار

تركيب	مرد		زن	
	75	81	75	81
سرپرست	1/76	1/18	9/74	32/25
سرپرست و همسر	9/74	9/44	0/60	0/33
سرپرست، همسر و فرزندان	73/94	75/83	4/03	0/0
سرپرست، همسر و سايرين	5/79	9/59	0/34	0/0
سرپرست و فرزندان	0/84	0/54	47/82	53/09

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

سرپرست، فرزندان و سایرین	0/17	0/06	4/24	0/81
سایر	7/72	3/36	23/77	13/5

3ـ2) ترکیب خانوارهاي کشور برحسب وضع تأهل

مطالعة حسين عظيمي (1374: 221) در باب اطلاعات حاصل از نتايج سرشماري سال 1365 نشان داده که زنان بدون همسر خصوصاً در سنين بالاتر از 40 و بالاتر از 60 سال در مقايسه با مردان هم وضعيت و مشابه، در فقر شديدتري به سر مي برند. به علاوه در برنامة مبارزه با فقر، سازمان مديريت نشان داده که زنان مطلقه يا رهاشده، خصوصاً در مناطق روستايي، با احتمال بيش تري در معرض فقر شديد قرار مي‌گيرند (1379: 42). اطلاعات موجود دربارة جمعيت 15 ساله و بالاتر کشور در دو مقطع 1375 و 1381، نشان مي دهد که سهم نسبي مردان بدون همسر بر اثر فوت، طلاق و يا هرگز ازدواج نکردة 15 ساله و بالاتر کشور، در فاصله سال هاي 1375 تا 1381 از 3/78 به 2/74 درصد کاهش يافته؛ در حالي که چنان‌که جدول 4 (مرکز آمار ايران، 1381) نشان مي‌دهد، در همين دوره سهم مشابه براي زنان از 78/05 به 88/92 درصد افزايش يافته است. به اين ترتيب اختلاف نسبي و شکاف ميان زنان و مردان از 74/27 به 86/18 درصد افزايش يافته است که به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

خودي خود به معناي آسيب پذيري بيشتر زنان بدون همسر محسوب مي‌شود.

جدول 4: توزيع جمعيت 15 ساله و بالاتر كشور برحسب جنس و وضع تأهل در سال‌هاي 1375ـ1381

وضعيت	مرد		زن	
	1375	1381	1375	1381
داراي همسر	96/11	97/26	21/57	11/07
بدون همسر بر اثر فوت	1/45	1/07	70/48	81/43
بدون همسر بر اثر طلاق	0/25	0/56	4/05	4/72
هرگز ازدواج نكرده	2/08	1/11	3/52	2/77
اظهار نشده	0/96	0/0	0/36	0/0

4ـ2) توزيع خانوارهاي كشور برحسب وضع اشتغال

وضع اشتغال از جهات متعددي مي تواند بر فقر و ابعاد آن تأثيرگذار باشد. يكي از اصلي‌ترين وجوه آن مسئلة بي‌كاري سرپرست خانوار است. بي‌كاري به منزلة قطع درآمدهاي معمول خانوار و درغلطيدن در دايرة فقر به دليل فقدان تأمينات اجتماعي و بيمه‌هاي بي‌كاري است. جدول 5 (مركز آمار ايران، 1376ـ1382) نشان مي دهد كه به رغم بالاتر بودن ميزان بي‌كاري در ميان مردان سرپرست خانوار در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

1376 (6/42 در مقابل 5/91 درصد)، با كاهش بيشتر ميزان بي‌كاري مردان سرپرست خانوار نسبت به زنان در 1382، اين دو ميزان در حدود يكديگر قرار گرفته‌اند (3/73 درصد براي مردان در مقابل 3/59 درصد براي زنان). اين در حالي است كه شادي‌طلب و كمالي (1379: 350ـ351) نشان داده‌اند كه آمارهاي موجود در باب بي‌كاري زنان سرپرست خانوار بسنده و كافي نيست.

جدول 5: توزيع سرپرست خانوارهاي كشور برحسب وضع فعاليت و اشتغال
در سال‌هاي 1376ـ1382

سال	مرد				زن			
	فعال	شاغل	بي‌كار	داراي درآمد بدون كار	فعال	شاغل	بي‌كار	داراي درآمد بدون كار
1376	87/54	81/19	6/42	8/93	12/89	12/13	5/91	37/16
1377	87/16	82/41	5/44	9/27	14/43	13/78	4/50	30/53
1378	86/84	81/73	5/88	9/68	13/95	13/31	4/57	28/93
1379	86/62	81/47	5/94	10/04	14/17	13/50	4/65	29/30
1380	85/69	80/73	5/79	10/98	14/30	13/50	5/57	28/93
1381	85/01	81/04	4/67	11/81	12/11	11/51	4/96	21/83
1382	84/71	81/55	3/73	12/40	11/17	10/77	3/59	20/87

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اين موضوع با مقايسة ميزان اشتغال و سهم نسبي افراد داراي درآمد بدون كار در ميان زنان و مردان سرپرست خانوار، به صورتي دقيق تر روشن مي‌شود. با توجه به ارقام بسيار پايين ميزان اشتغال زنان در مقايسه با ارقام مشابه براي مردان، در صورتي مي توان ميزان هاي بي كاري را كافي و دقيق تلقي كرد كه سهم نسبي افراد داراي درآمد بدون كار محسوب شوند . مجموع شاغلان و افراد داراي درآمد بدون كار در ميان زنان از 49/29 درصد در سال 1376 به 31/64 درصد در سال 1382 كاهش يافته است. اين در حالي است كه ارقام مشابه براي مردان به ترتيب 90/12 و 93/95 درصد به معناي افزايش خانوارهاي صاحب درآمد است (جدول 5). البته اين موضوع به خودي خود به مفهوم سهم بسيار بيشتر خانوارهاي بدون درآمد در ميان زنان و در عين حال نادرستي ارقام مربوط به بيكاري در ميان زنان سرپرست خانوار، حداقل در سال‌هاي تحت بررسي، است.

در عين حال بايد توجه داشت همان‌طور كه برنامة مبارزه با فقر (1379: 42) اذعان دارد تراكم خانوارهايي كه سرپرستان آن ها داراي درآمد بدون كار هستند، باتوجه به ماهيت اين گروه كه شامل مستمري‌بگيران، بازنشستگان و افراد تحت پوشش سازمان‌ها و نهادهاي حمايتي هستند، در دهك اول

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

بسیار زیاد است. از این رو نمي‌توان داشتن درآمد بدون کار و سهم نسبي بیش تر آن در میان زنان سرپرست خانوار را به معناي وضعیت بهتر درآمد در میان آنان قلمداد کرد.

در عین حال این سؤال وجود دارد که چنان‌چه در سال 1382 کم‌تر از یك سوم خانوارهاي زن سرپرست داراي سرپرست شاغل و یا داراي درآمد بدون کار بوده‌اند، آیا فرد دیگري در این دسته از خانوار، وجود داشته است که به واسطة اشتغال خود خانوار را تأمین مالي کند؟ نتایج حاصل در جدول 6 (مرکز آمار ایران، 1381؛ 1380ـ1381) نشان مي‌دهد که سهم نسبي خانوارهاي بدون فرد شاغل در میان مردان از 10/93 درصد در 1375 به 9/79 درصد در 1381 و ارقام مشابه در مورد زنان از 63/69 درصد به 51/79 درصد رسیده است. در مجموع اگرچه میزان کاهش سهم نسبي خانوارهاي زن سرپرستِ بدون فرد شاغل، درمقایسه با خانوارهاي با سرپرست مرد بسیار بیش تر بوده، اما به سبب سهم نسبي بسیار بالاتر این دسته از خانوارها در میان زنان، شکاف موجود همچنان به صورت جدي باقي است . به نظر پروین (1372: 121) نسبت بالاي خانوارهاي بدون فرد شاغل قطعاً مهم‌ترین عامل فقر درخانوارهاي کم‌درآمد است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزي (1379: 43ـ42) نیز نشان داده است که حدود 37 درصد از خانوارهاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

فقير در دهك اول، هيچ فرد شاغلي در خانواده ندارند و به علاوه در صورت افزايش تعداد افراد شاغل در خانوارها احتمال ابتلا به فقر بسيار كاهش مي‌يابد. از اين لحاظ خانوارهاي زن سرپرست بدون عضو شاغل از آسيب پذيرترين خانوارها و فقيرترين آن‌ها محسوب مي‌شوند.

جدول 6ـ توزيع نسبي خانوارهاي كشور برحسب جنس سرپرست خانوار و سهم خانوارهاي بدون فرد شاغل

سال	مرد	زن
1375	10/93	63/69
1380	9/35	53/60
1381	9/79	51/79

و بالاخره تا آن جا كه اطلاعات موجود امكان بررسي را فراهم مي كند، يكي ديگر از مسائل مهم در موضوع اشتغال وضع شغلي سرپرستان خانوار است. نتايج حاصل در جدول 7 (مركز آمار ايران، 1376ـ1382) نشان مي‌دهد كه حداقل به صورتي اوليه شاغلان كارفرما و كاركنان مستقل كه وضعيت درآمدي بهتري دارند در ميان زنان سرپرست خانوار بسيار كم‌تر از مردان مشابه است. سهم نسبي اين گروه در ميان زنان از 52/37 درصد در 1376 به 44/72 درصد در 1382 و سهم مشابه برابر مردان از 50/08 به 48/92 درصد در فاصلة همان سال ها رسيده است. به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

عبـارت ديـگر افـزون بـر پـايـين بـودن ارقـام مـربـوط بـه زنـان مـيـزان كـاهش ايـن سهم در مـيـان زنـان سرپـرست خـانـوار (7/65 درصد) بـسيـار بـيش‌تـر از مـيـزان مـشابـه بـراي مـردان (1/16 درصد) بـوده است.

از سوي ديـگر، بـه زعم عظيـمي (1374: 209) ثـبات نـسبي حقـوق مـزدبـگيـران و حقـوق‌بـگيـران در مقـايـسه بـا نـرخ تـورم سال هاي اخيـر بـاعث شده است كـه بـخش عظيـمي از آن ها در زمـرة جمعيت آسيب پـذيـر و دچار فقـر و محروميت قـرار بـگيـرنـد . لـذا، چنـان‌چه صرف نـظر از سهم نـسبي كـارفـرمـايـان و كـاركـنـان مـستقـل، سهم مـزدبـگيـران و حقـوق‌بـگيـران را در مـيـان زنـان و مـردان سرپـرستـان خـانـوار بـررسي كـني م، روشن مـي‌شود كـه درصد مـردان ايـن گـروه، از 49/79 در 1376 بـه 51/04 در 1382 (1/25 درصد افـزايـش) رسيـده و ارقـام مـشابـه بـراي زنـان نـيـز از 46/86 بـه 54/99 (8/13 درصد افـزايـش) رسيـده است. جداي از سهم بـيش تـر زنـان مـزد و حقـوق‌بـگيـر سرپـرست خـانـوار در مقـايـسه بـا مـردان، مـيـزان اي ن افـزايـش نـيـز بـراي زنـان بـيش‌تـر از مـردان بـوده است . ايـن مـوضوع نـيـز مـي‌تـوانـد بـه عنـوان شاخصي بـراي سنجش و مقـايـسه وضعيت فقـر در مـيـان زنـان و مـردان سرپـرست خـانـوار محسوب شود.

جدول 7: تـوزيـع نـسبي خـانـوارهـاي كـشور بـرحسب جنس و وضع شغـلي سرپـرست خـانـوار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

سال	مرد			زن		
	کارفرما	کارکن مستقل	مزدوحقوقبگیر	کارفرما	کارکن مستقل	مزدوحقوقبگیر
1376		/98			/50	46/86
		44			49	45/79
1377		/10			/14	49/25
		44			48	45/75
1378	5/10	/85	49/79	2/87	/78	50/00
	6/49	44	49/25	4/63	44	48/02
1379	7/03	/74	47/98	4/87	/22	54/99
1380	7/42	43	48/70	4/46	49	
1381	7/02	/90	48/97	4/43	/67	
1382	7/87	43	48/35	4/23	44	
	7/76	/68	51/04	4/94	/30	
		43			47	
		/16			/78	
		40			39	

5_2) تركيب خانوارهاي كشور برحسب وضع سواد

فقدان سواد يا تحصيلات اندك يكي از ويژگي هاي خانواده‌هاي فقير است. مطالعات نشان داده است كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

حدود 1/5 ميليون خانوار، فاقد عضو باسواد هستند و اين نسبت در خانواده هاي فقير بسيار گسترده است (پروين، 1372: 123). با اين حال اين مسئله در مورد رؤساي خانوار اهميت بيش تري دارد. برنامة مبارزه با فقر اذعان دارد كه حدود 55 درصد سرپرستان بي سواد هستند. (سازمان مديريت و برنامه ريزي، 1379: 42). چنانچه اين متغير را به تفكيك جنس رؤساي خانوارهاي كشور بررسي كنيم، همچنان كه جدول 8 (مركز آمار ايران، 1381) نشان مي دهد، روشن مي شود كه به رغم افزايش ميزان باسوادي در ميان سرپرستان مرد خانوارهاي كشور، در فاصلة سال هاي 1375ـ1381، اين نسبت در ميان زنان سرپرستان خان وار كاهش يافته و در عين حال بسيار كم تر از نصف مقادير مشابه براي مردان بوده است. پايين بودن اين مقدار براي زنان سرپرست خانوار، به تنهايي نشانة فقر بسيار گسترده در ميان اين دسته از خانوارهاي كشور است؛ زيرا بي سوادي احتمال اشتغال مناسب و با درآمد كافي را از افراد سلب كند و احتمال اشتغال به مشاغل يدي و دست پايين و يا حتي بيكاري را افزايش مي دهد. در عين حال، فرد بي‌سواد از امكان مطالبة جدي و دقيق حقوق خود نيز درمي‌ماند و اين مسئله اي است كه پيش روي بخش عمدة خانوارهاي زن سرپرست قرار دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

جدول 8: توزيع نسبي خانوارهاي كشور برحسب جنس و ميزان باسوادي سرپرست خانواده

سال	مرد	زن
1375	71/42	33/82
1381	73/51	32/22

6ـ2) تركيب خانوارهاي كشور برحسب وضعيت مسكن

تنها اطلاعات موجود دربارة نحوة تصرف مسكن خانوارهاي كشور نشان مي‌دهد كه در سال 1375، 66/2 درصد خانوارهاي مرد سرپرست و 71/9 درصد خانوارهاي زن سرپرست مسكن ملكي (اعيان و عرصه و اعيان) در اختيار داشته‌اند. از اين روي شايد به نظر رسد كه زنان سرپرست خانوار به رغم تمام دشواري‌هاي ديگر، حداقل سرپناهي در اختيار دارند. با اين حال چنان‌چه كيفيت مسكن اين گروه با وضعيت مشابه براي مردان مقايسه شود واقعيات به صورت ديگري جلوه خواهد كرد.

جدول 9: توزيع نسبي خانوارهاي كشور برحسب جنس سرپرست و نحوة تصرف و تعداد اتاق‌هاي واحد مسكوني در سال 1375

وضعيت	مرد	زن
مسكن ملكي	66/2	71/9
محل سكونت فقط يك اتاق	10/27	19/94

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

محل سکونت فقط دو اتاق	22/38	26/29

نتايج سرشماري سال 1375 نشان داده است در حالي كه تنها حدود 10 درصد خانوارهاي مرد سرپرست تنها يك فضا (اتاق) براي زندگي در اختيار دارند، اين رقم براي زنان حدود 20 درصد يا 2 برابر است. همچنين چنان كه از جدول 9 (مركز آمار ايران، 1381) برمي‌آيد، خان وارهاي صاحب فقط 2 اتاق، در ميان مردان و زنان، به ترتيب 22/38 و 26/29 درصد بوده است. با عنايت به تعريف اتاق در سرشماري ها كه شامل فضايي با حداقل 4 متر مربع مساحت و 2 متر ارتفاع و شامل اتاق‌هاي معمولي و آشپزخانه است، همچنان‌كه مرحوم عظيمي نيز اذعان دارد مي‌توان زندگي در يك يا دو فضا براي يك خانوار را در اكثر قريب به اتفاق موارد دال بر فقر و محروميت خانوار قلمداد كرد (1374: 212).

همچنين اطلاعات ديگر در باب تسهيلات عمدة مسكن نشان مي‌دهد در حالي كه در سال 80 و 81 به ترتيب 0/03 و 0/21 خانوارهاي مرد سرپرست داراي تمامي تسهيلات مسكن بوده اند، اين ميزان در هر دو سال پياپي براي زنان 0/00 بوده است. اين به آن معناست كه در ميان خانوارهاي زن سرپرست، هيچ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

كدام تمامي تسهيلات ممكن مسكن، حداقل در اندازه‌هاي كشور، را در اختيار نداشته اند. همچنان كه از جدول 10 (مركز آمار ايران، 1380ـ1381) مي‌توان دريافت، در ميان ساير تسهيلات، تنها توجه به دو مورد حمام و آشپزخانه به عنوان تسهيلات اصلي مسكن، نشان مي دهد كه تقريباً خانوارهاي زن سرپرست 10 درصد كم‌تر از خانوارهاي مرد سرپرست از چنين امكاني برخوردار بوده‌اند.

جدول 10: توزيع خانوارهاي كشور برحسب جنس سرپرست و تسهيلات عمده مسكن

تسهيلات	مرد		زن	
	80	81	80	81
برق	99/03	98/91	99/23	99/19
گاز لوله‌كشي	45/28	45/97	44/26	46/42
حمام (گرم)	75/08	77/19	65/85	68/73
كولر	45/19	47/97	40/12	40/23
تلفن	52/29	61/35	48/24	54/40
آشپزخانه	86/64	86/72	76/72	76/38
⋮	⋮	⋮	⋮	⋮
كلية تسهيلات	0/03	0/21	0/00	0.00
هيچ‌يك ازتسهيلات	0/95	0/01	0/77	0/81

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

7ـ2) تركيب خانوارهاي كشور برحسب هزينه و درآمد

عواملي كه تا اين جا دربارة آن ها بحث شد، در واقع مجموعة عوامل و شرايطي است كه به كسب درآمد منجر مي شوند. با اين حال، به عنوان برآيند و حاصل تأثير اين عوامل در ميزان درآمد و نحوه هزينة آن، مي توان به صورتي مستقيم به ميزان درآمدها و هزينه هاي خانوارها را توجه نشان داد. نتايج حاصله در جدول 11 (مركز آمار ايران، 1381) نشانگر سهم بسيار زياد خانوارهاي زن سرپرست در دهك هاي پايين و نسبت بسيار ناچيز آنان در دهك هاي پايين درآمدي و وضعيت متقابل براي خانوارهاي مرد سرپرست است. در حالي كه در سال هاي 1380ـ1381 به ترتيب 30/17 و 22/31 درصد زنان سرپرست خانوار در دهك اول درآمدي قرار داشته اند، اين نسبت براي مردان به ترتيب 10/77 و 6/62 درصد بوده است. در مقابل، در دهك آخر يا بالاترين ميزان هاي درآمدي، در برابر نسبت هاي 7/81 و 12/35 درصد براي مردان، تنها 2/60 و 3/75 درصد زنان قرار داشته اند. گذشته از تفاوت هاي كمي در نسبت خانوارهاي اين دو دهك براي زنان و مردان، ميزان كاهش در دهك اول و افزاي ش در دهك آخر نيز براي اين دو دسته از سرپرستان خانوار متفاوت بوده است. در مقابلِ كاهش 38/53 درصدي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

سهم خانوارهاي بسيار فقير مرد سرپرست، تنها 26/05 درصد از سهم مشابه زنان در فاصلة سال هاي 1380 و 1381 كاسته شده است . از سوي ديگر، در برابر افزايش 77/05 درصدي سه م خانوار بسيار پردرآمد مرد سرپرست، تنها 44/23 درصد بر نسبت مشابه براي زنان افزوده شده است (جدول 11).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

جدول 11: توزيع نسبي خانوارهاي كشور برحسب جنس سرپرست و دهكهاي درآمدي

دهك	مرد		زن	
	1380	1381	1380	1381
اول	10/77	6/62	30/17	22/31
دوم	5/28	4/13	8/42	8/47
سوم	10/45	7/92	10/72	11/24
چهارم	10/46	12/20	15/31	12/87
پنجم	8/77	7/54	5/97	5/86
ششم	11/59	11/28	7/50	9/28
هفتم	10/83	11/88	7/35	8/14
هشتم	14/51	17/41	9/49	11/89
نهم	6/71	8/69	2/45	6/19
دهم	7/18	12/35	2/60	3/75

اين ارقام به آن معناست كه افزون بر وضعيت نامتعادل و توزيع نامتوازن هر دو گروه خانوار اين وضعيت روند نابرابري را نيز طي مي كند و نهايتاً به نظر مي رسد در آينده نيز شرايط نامتعادلتري را بر اين دو دسته از خانوارها تحميل كند.

نتيجة اين نابرابري، عدم تعادل در هزينه هاي مصرفي خانوار است. نتايج حاصل در جدول 12 (مركز آمار ايران، 1381) اگرچه در وهلة اول نشانگر توزيع نسبتاً يكسان هزينه هاي خوراكي و غيرخوراكي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

خانوارها برحسب جنس سرپرست آن است، اما در عين حال حاكي از سطح نابرابر هزينه هاي اين دو دسته از خانوارهاست كه البته بيش از هر چيز ديگر، وابسته به ميزان درآمدهاي آن ها است. در دو سال يادشده (1380 و 1381) هزينه هاي خانوارهاي زن سرپرست به ترتيب حدود 57 و 62 درصد هزينه هاي مشابه خانوارهاي مرد سرپرست بوده است. با عنايت به ارقام جدول 11 (مركز آمار ايران، 1380ـ1381) و توزيع خانوارها برحسب دهك هاي درآمدي بديهي است اين موضوع را نمي توان صرفاً به مسائلي نظير مديريت مخارج نسبت داد. زيرا طبعاً در بخش عمدة خانوارهاي مرد سرپرست نيز مديريت هزينه ها بر عهدة زنان است.

جدول 12: توزيع خانوارهاي كشور برحسب جنس سرپرست و تركيب هزينه ها

هزينه	مرد		زن	
	1375	1381	1375	1381
كل هزينه	10/025/448	33/276/454	5/686/090	20/516/732
هزينه هاي	35/81	27/03	30/00	27/56
هزينه هاي	64/29	72/97	70/00	72/44
مسكن	45/14	35/77	53/41	49/22

نكتة ديگر قابل توجه در اين محور، سهم بسيار زياد مسكن در هزينة خانوارها و البته به صورتي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

نامتناسب در ميان زنان و مردان سرپرست خانوار است (جدول 12). اين ارقام در واقع تأييدي بر وضعيت نامتناسب مسكن و تأثير آن بر فقر بيش تر خانوارهاي زن سرپرست در مقايسه با خانوارهاي مرد سرپرست است. البته مسكن تنها يك بخش از هزينه‌هاي غيرخوراكي خانوار مح سوب مي‌شود و در ساير موارد نيز طبعاً به دليل سهم بيش تر مسكن، هم نسبت و هم ميزان هزينه هاي صرف شدة زنان سرپرست خانوار بسيار كم تر از ارقام مشابه براي مردان است. اين موضوع را مي توان از نسبت خانوارهاي صاحب لوازم عمدة زندگي نيز دريافت. نتايج حاصل در جدول 13 (مركز آمار ايران، 1380ـ1381) نشان مي‌دهد در حالي كه حدود 20 درصد خانوارهاي مرد سرپرست اتومبيل در اختيار دارند، اين نسبت براي زنان حدود 6 درصد است.

جدول 13: توزيع خانوارهاي كشور برحسب جنس سرپرست و لوازم عمدة زندگي

اقلام	مرد		زن	
	1380	**1381**	**1380**	**1381**
اتومبيل	19/45	22/06	6/43	5/21
چرخ‌خياطي	72/38	73/94	53/45	55/37
تلويزيون رنگي	72/09	78/89	52/37	60/91
ماشين‌لباسشويي	45/93	47/75	34/92	35/99

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

كامپيوتر	6/23	8/78	3/68	4/07
تلفن‌همراه	8/58	10/38	1/84	3/09
. . .	. . .	. . .	. . .	. . .
همه لوازم	0/02	0/06	0/00	0/00
هيچيك از	0/86	0/84	2/91	2/28

در مورد ماشين لباسشويي اين تفاوت حدود 20 درصد و در مورد كامپيوتر حدود 4 درصد است؛ خصوصاً در مورد چرخ خياطي كه مي تواند به عنوان وسيله‌اي اوليه براي كسب درآمد زنان سرپرست خانوار محسوب شود، اختلاف ميان خانوار مرد سرپرست و زن سرپرست حدود 20 درصد است. در نهايت در حالي كه كم تر از يك درصد خانوارهاي مرد سرپرست هيچ يك از لوازم فوق را در اختيار ندارند، اين نسبت براي زنان بيش از 2 درصد است.

3) نتيجه

هدف اصلي اين مقاله بررسي برخي از ويژگي هاي خانوارهاي فقر برحسب جنس سرپرست خانو ار و نشان دادن فقر مضاعف خانوارهاي زن سرپرست بود . به رغم تمامي محدوديت ها و فقدان اطلاعات دقيق، آمارهاي كشور حاكي از تمايز در سطح و ميزان فقر خانوار برحسب جنسيت سرپرست خانوار و نهايتاً پديدة زنانه شدن فقر است . اين موضوع اگرچه به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

خودي خود بسيار مهم و جدي مح سوب مي شود، اما هنگامي مي توان به عمق اين فاجعه انساني دست يافت كه دريابيم در سال 1379 دو مرجع رسمي كشور براي رسيدگي به محرومان و فقرا ـ يعني كميتة امداد امام خميني (ره) و سازمان بهزيستي ـ روي هم رفته 860735 خانوار را تحت پوشش خود داشته اند؛ كه البته كمك ه اي كميتة امداد با سهم 86/43 درصدي در اين رقم شامل خانوارهاي مرد سرپرست معلول، از كار افتاده و بيمار و ... نيز مي‌شده است. البته اين موضوع خود تأييدي بر اين نكته است كه مفهوم سرپرست خانوار خصوصاً در باب زنان براي نمايش فقر و فشارهاي حاصله به هيچ وجه كافي نيست. با اين حال، نكتة جالب توجه آن است كه در همين سال مجموعاً حدود 11/2 درصد خانوارهاي تحت پوشش از طرح مددجويي اين دو سازمان نيز خارج شده اند. اصلي‌ترين علل خروج اين دسته افراد از پوشش سازمان هاي حمايتي مربوط، فوت (12/3 درصد كميته امداد و 14/8 درصد سازمان بهزيستي) و ارجاع به سازمان هاي ديگر (4/3 درصد كميته امداد و 55/6 درصد سازمان بهزيستي) است؛ در مقابل سهم اشتغال بسيار ناچيزي (0/4 درصد كميته امداد و 14/8 درصد سازمان بهزيستي) كه جاي تأمل دارد (مركز آمار ايران، 1381؛ 75ـ70).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اين ارقام به خوبي و روشني نشان مي‌دهند كه دو مرجع اصلي رسيدگي به مسائل فقرا، خصوصاً زنان فقير، تنها به حمايت هاي سطحي و مقطعي از فقرا مبادرت مي‌ورزند و در خارج كردن آنان از دايرة فقر موفقيت چنداني ندارند . اين مسئله در كنار روند فزايندة فقر عموم مردم، خصوصاً خانوارهاي زن سرپرست طي سال‌هاي مختلف نشانگر افزايش دامنة فقر، خصوصاً زنانه شدن آن در سال‌هاي آتي است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
References

1ـ پروين، سهيلا. (1372). **زمينه‌هاي اقتصادي فقر در ايران.** تهران: دانشگاه تربيت مدرس ـ دانشكدة علوم انساني.

2ـ جعفري صميمي، احمد. (1371). **اقتصاد بخش عمومي.** تهران: انتشارات سمت.

3ـ سازمان مديريت و برنامه ريزي. (1379). **برنامة مبارزه با فقر و افزايش درآمد خانوارهاي كم‌درآمد.** معاونت امور اجتماعي.

4ـ شادي طلب، ژاله؛ كمالي، افسانه. (1379). **زنان، بسته ترين حلق ة زنجير فقر.** «فقر در ايران»، دانشگاه علوم بهزيستي و توانبخشي.

5ـ عظيمي آراني، حسين. (1374). **مدارهاي توسعه‌نيافتگي در اقتصاد ايران.** چاپ چهارم. تهران: نشر ني.

6ـ مركز آمار ايران (1376ـ 1382). **آمارگيري اشتغال و بيكاري خانوار.**

7ـ مركز آمار ايران (1380ـ 1381). **آمارگيري ويژگي‌هاي اقتصادي ـ اجتماعي خانوار.**

8ـ مركز آمار ايران (1381). **زنان سرپرست خانوار در ايران (ويژگي‌هاي اجتماعي ـ اقتصادي).**

9ـ مركز آمار ايران (1376). **نتايج سرشماري عمومي نفوس و مسكن 1375 كل كشور.**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
References

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]